

بسم الله الرحمن الرحيم

جایگاه زن در سوره مبارکه «نساء»

مرضیه حاجیانی نژاد^۱

چکیده

بررسی و بیان اثر بخشی جایگاه زن در سوره مبارکه نساء بیانگر این حقیقت است که، زن زیباترین واژه آفرینش و مؤثرترین عامل تربیت و نگاهبان روحی و جسمانی فرزند و جامعه است؛ تردیدی نیست که زنان در طول تاریخ از موقعیت مطلوب و شأن بالایی برخوردار نبود و غالباً مورد بی مهری واقع می شدند اما در این پژوهش درصدد است تا به شخصیت و جایگاه زن به طور جزئی تر پرداخته شود در واقع با رشد روز افزون آگاهی بشر، به یقین می توان گفت که در ادیان الهی به ویژه در دین خاتم بیش از همه به احیای شخصیت والای زن و مرد اشاره کرده و یکی از اصول مسلم در آیین اسلام و قرآن کرامت انسان است؛ همه حرمت دارند و باید همواره این حریم پاس داشته شود. در فرهنگ اسلامی زن و مرد به عنوان مخلوقات خداوند و مورد عنایت ویژه هستند؛ افتخار نظام حقوقی اسلام آن است که از همان ابتدا برای زنان حقوق اقتصادی، خانوادگی، عبادی، مشخص کرده و با در نظر گرفتن جایگاه زن در نظام خانواده، مهریه و نفقه و حقوق مادی و معنوی او را در این نظام مقدس مشخص کرده است؛ زیرا از دیدگاه اسلام تفاوتی در حقیقت و ماهیت زن و مرد نیست. این پژوهش به روش توصیفی_کتابخانه ای جمع آوری شده است حتی می توان گفت در آیات قرآن نیز هرگاه از کمالات و ارزش جایگاه والای انسانی سخن به میان می آید جایگاه زنان را نیز همدوش جایگاه مردان مطرح می کند از این رو، با نگرش به اسلام، و رجوع به آیات و تفاسیر آنها و منابع دینی معتبر، شخصیت و جایگاه زن در قرآن و روایت های اهل بیت (علیهم السلام) به احیای شخصیت زنان در اسلام و نمونه هایی از اقداماتی که اسلام برای احیای جایگاه زنان انجام داده است و در سوره مبارکه نساء توصیف شده است، جایگاه زنان را به خوبی تبیین می نماید.

کلید واژه: خانواده، زن، قرآن، قیومیت.

^۱ طلبه پایه پنجم، مدرسه علمیه فاطمیه (سلام الله علیها) شهر خورموج.

در روزگاری که در تمام فرهنگ‌های اقوام و ملل جهان، زن بعنوان یک موجود پست و انسان درجه دوم بود و محرومیت بر همه ابعاد و زندگی او چه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی سایه افکنده و مورد بدبینی‌ها و تهمت‌ها بود و از هیچ چیز بر افق زندگی او روشنایی نمی‌تابید و همه درها بر او بسته بود خورشید اسلام طلوع کرد و افق زندگی او را روشن نمود و ندای عطوفت آمیز پیغمبر رحمت حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم) روح نشاط و امید در کالبد او دمیده و راه ترقی و تکامل را به روی او از همه جهت باز کرده و موقعیت مهم زن در اجتماع بشری و جایگاه بلند او و شایستگی‌ها و استعدادهای فراوانی را که دست آفرینش در وجود زن قرار داده است و گوشزد کرد و آیه‌هایی از قرآن کریم را در رابطه با معرفی مقام و جایگاه مهم زن و ارزش والای او برای مردم بیان نمود.

چهره‌ای که قرآن کریم از زن به تصویر می‌کشد و ارائه می‌کند چهره یک انسان کامل است که در همه ابعاد انسانی مرد است و او به عنوان اینکه یک انسان است محور و مدار نعمت‌ها و عنایت‌های فراوان خداوند است و تمام استعدادها و شایستگی‌هایی که خداوند تمام راه‌هایی که پیمودن در راه کمال و سعادت مردان قرار داده است در وجود زن نیز همان استعداد و ظرفیت‌ها را قرار داده است و تقرب در درگاه خدا به داشتن تقواست.

جایگاه و نقش زنان شایسته در موفقیت مردان بزرگ در جریان‌های زندگی مردان شایسته و موفق نوعاً یک زن شایسته و متعهد را در کنار آنها می‌بینیم که در موفقیت آنها این زنان خواه همسر آنهاست یا خواهر و یا مادر که تاثیر فراوانی داشته‌اند.

خداوند متعال موجودات عالم را متفاوت آفریده و میان آنها هماهنگی برقرار کرده‌است. وشکی نیست که مرد و زن با اینکه هر دو انسان هستند و در هرآنچه که به انسانیت آنها مربوط می‌شود یکسان هستند و فقط تفاوت‌هایی نیز از لحاظ خلقت دارند و این تفاوت تنها در روحیات، احساسی و عاطفی بودن زن است. و هر کدام در مقایسه با یکدیگر از امتیازات مخصوصی برخوردار هستند.

مرد از جهت داشتن صلابت و شدت ممتاز است و این مرد هستند که در کشاکش زندگی انسان‌ها در امر جهاد، دفاع، حفظ مرزها و حیثیت‌ها آمادگی دارند و از عهده این کار بر می‌آیند و این مردان هستند که در برابر سختی‌ها و حوادث سهمگین روزگار ثابت قدم بوده و استقامت به خرج می‌دهند و بارهای سنگین زندگی را به دوش می‌کشند.

اما زن از لحاظ عواطف و احساسات رقیق ممتاز است. این زنان هستند که به زندگی انسان‌ها انس، آرامش، الفت و رأفت می‌بخشند و با صبر، حوصله و بردباری خاصی سنگینی بارهای دوران بارداری و وضع حمل و دوران شیرخواری کودک خود را تحمل می‌کنند و خم به ابرو نمی‌آورند بلکه با عشق، شوق مادرانه به تربیت و مدیریت فرزند می‌پردازند و با پرستاری از دردمندان و انجام خدمات خانه‌داری به زندگی انسان‌ها صفا می‌بخشند و در امور اجتماعی نیز سعی می‌کنند به همراه مردان در راه جامعه گام بردارند.

روشن است که بدون صلابت، تحمل، قدرت مردان زندگی انسان‌ها مختل است و بدون احساسات لطیف و عواطف رقیق و ظرافت‌های مناسب و لازم نیز زندگی بشریت بی‌سر و سامان نواقص است. این دو گروه انسانی با سرمایه‌های خدادادی هر یک در زندگی نقش مخصوص را می‌آفرینند و امتیاز آنها مانند کف میزان متعادل و متوازن است، بدون هریک از آنها میزان زندگی بهم می‌خورد و هرگز نظم و نظامی پیدا نمی‌کند.^۱

مفهوم شناسی

تعریف لغوی زن

زن. [زَ] (اِ) نقیض مرد باشد. (برهان). مطلق فردی از افراد اناث خواه منکوحه باشد و خواه غیرمنکوحه. (آندراج). مادینه انسان. بشر ماده. امراء. مقابل مرد. مقابل رجل. (فرهنگ فارسی معین). انسان و ماده ای از نوع بشر و مراءة و نساء و خاتون و بانو. ج ، زنان. (ناظم الاطباء). مادینه از آدمی.

تعریف اصطلاحی زن

زن مقابل مرد و به معنای زوجه است.

زن مادینه انسان، نقیض مرد، زن در قرآن گاه بصورت مفرد امراه و گاه به صیغه اسم جمع چون «نساء» و گاه به صیغه «امراتان» مکرر آمده؛ و اما «نساء و نسوة» که در موارد متعدد قرآن آمده بیشتر مربوط به قانون ارث، نکاح، غسل و یا اخالق و یا نقل تاریخ است.

^۱ حسین نوری همدانی، جایگاه بانوان در اسلام، ص ۵۹.

واژه‌های «بانو»، «خانم» و در قدیم، «خاتون» برای اشاره محترمانه به زن، کاربرد دارند. همچنین واژه‌ی زن، یک نام همگانی برای اشاره به انسان ماده است مانند «حقوق زنان» به‌طور معمول، یک زن، توانایی بارداری و زایش دارد. به زن دارای فرزند، مادر می‌گویند

قیومیت در لغت

قیومیت. [قَیْ یُومِ یَ] قیوم بودن. قائم بالذات بودن. (فرهنگ فارسی معین) : هرچه در عقل محال است، الله بر آن قادر بر کمال است و در قدرت بی احتیال است، و در قیومیت بی گشتن حال است.

قیومیت در اصطلاح

قیومیت به معنای سرپرستی می‌باشد. قییم به معنی فردی می‌باشد که سرپرستی کسی یا چیزی را برعهده دارد. در قانون ایران «قییم» یعنی سرپرست و تکیه‌گاه. در حقوق بین‌الملل در دوران پس از جنگ جهانی اول این عبارت برای سرپرستی یک کشور توسط کشور دیگر به حکم جامعه ملل اطلاق می‌شد.

تعریف لغوی خانواده

خانواده. خاندان، دودمان، خیل خانه، تبار. اصیل زاده و از خانواده حرمت؛ بزرگوار و به اقبال و دولت اندرخور.

تعریف اصطلاحی خانواده:

خانواده، اولین نهاد اجتماعی و کوچکترین واحد تشکیل دهنده جامعه است. هر خانواده از مجموعه‌ای از افراد تشکیل می‌یابد که در پیوند خویشاوندی و زیستی قرار دارند و معمولاً در یک خانوار زندگی می‌کنند. کلیات وضع و ساختار خانواده در نظام اجتماعی مسلمانان مشابه با ادیان پیشرفته دیگر است. در واقع به طور کلی در جوامع اسلامی از صدر اسلام تا جهان امروز، همچون دیگر جوامع سه ساختار عمده خانواده همواره ملاحظه می‌شده است.

بررسی واژه «قیم» در قرآن

کلمه «قیم» به معنای کسی که مسئول قیام به امر کسی دیگر است کلمه قوام و قیام مبالغه در همین است و مراد از جمله «بما فضل الله بعضهم على بعض» آن چیزهایی است که خداوند به مردان قرار داده است و با توجه طاقتی که بر اعمال دشوار دارند زیرا زندگی زنان یک زندگی احساسی و عاطفی است که اساس و سرمایه آن لطافت است و منظور از جمله (بما انفضوا) مهریه و نفقه ای است که بر زنان تعلق می‌گیرد. و از عمومیت علت به دست می‌آید که حکمی مبنی بر آن علت است؛ یعنی قیم بودن مردان فقط بر زنان عمومیت دارد و منحصر بر شوهر نسبت به همسر نیست و این طور نیست که مردان فقط بر همسر خود قیمومت داشته باشند، در عموم که ارتباط با زندگی هر دو طایفه وجود دارد که مردان در آن بر زنان قیمومت دارند و شامل حکومت و قضا که حیات جامعه بستگی به آنها دارد و قوام این دو مسؤولیت بر نیروی تعقل است که با توجه به طبع مردان در آنها بیشتر است و در زنان کمتر است. همچنین حتی برای دفاع از سر زمین با اسلحه که قوام آن برداشتن نیروی عقلی است هر دو در مردان بیشتر است.

به عبارت دیگر دیگر قیمیت مردان بر زنان مربوط می‌شود به جهت عامه‌ای که زنان و مردان هر دو در آن شریک هستند و جهاتی است که نیازمند تعقل بیشتر و نیروی زیادتر است که در مردان وجود دارد. و قیمیت مرد بر زن باعث سلب آزادی از اراده زن و تصرفاتش در آنچه مالک آن است نمی‌شود و قیمیت مرد این نیست که استقلال زن را در حقوق فردی و اجتماعی او سلب کند پس زنان همچنان استقلال و آزادی خود را دارد و می‌تواند از حقوق فردی و اجتماعی خود دفاع کند و هم می‌تواند برای رسیدن به هدف‌هایش به مقدماتی که او را به هدف‌هایش می‌رساند توسل شود.

معنای قیمیت مرد این است که مرد بخاطر اینکه هزینه‌ی زندگی زن را از مال خودش می‌پردازد تا از او استفاده ببرد پس لازم است در تمام آنچه مربوط به استمتاع مرد می‌شود او را اطاعت کند و نیز ناموس او در غیاب او حفظ کند و براموال شوهر خیانت نکند.^۱

«قیم» به کسی می‌گویند که مهم کس دیگر را انجام دهد و قیام صیغه مبالغه و فضل فزونی بعضی دیگر و چون غالباً بالطبع هم در تدبیر و هم در نیرومندی و تحمل شدائد مردها بر اغلب

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ

^۱ محمد حسین طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۵۴۳.

نیست. از این رو، آن زنی که سرپرست خانواده است، باید مورد حمایت حکومت اسلامی قرار گیرد؛ چون تحمل کارهای اقتصادی و مسئولیت خارج از خانه، برای زن سخت است.

البته کار در بیرون از منزل برای زن، اشکال ندارد؛ اما باید کار او از نظر زمان و نوع کار، با شأنش سازگار باشد. کارهای فنی مانند ریخته گری، کار در معدن و یا میزان ساعت کاری برابر با مردان، ظلم به زن است. باید برنامه ریزی شود و آن رشته هایی که با روحیات زنان بیشتر سازگار است، ۸۰ درصد سهمیه آنها برای زنان باشد. بعد از انقلاب، رشته های تخصصی زنان، صد درصد مخصوص آنان شد؛ در حالی که قبل از انقلاب، مشترک بود و این، خیلی زشت بود و در مقابل در رشته های دیگر، سهمیه پسرها را زیاد کنند و در غیر این صورت، مبارزه با طبیعت زن و مرد و تلخ کردن زندگی است. خدا خواسته است که سختی های زندگی، برای مرد باشد. کسب معاش، همراه با گرفتاری ها و سختی هاست و این، وظیفه مرد است

مقصود از الرجال والنسا

استاد علامه طباطبایی الرجال قوامون علی النسا را برای بیان احکام مطلق زن و مرد می داند و فرماید علت قوام بودن مرد بر زن دلالت دارد.

۱. عهده داری تمامی هزینه های اختصاصی زن و تامین نیاز های منزل و بما انفضوا من اموالهم
۲. اگر زنی به معصیت خدا آلوده شد یا در شرف ارتکاب گناه قرار گرفت شایسته ترین فرد برای بازداشتن زن از گناه و امر به معروف و نهی از منکر کردار شوهر اوست و وظیفه عموم مؤمنان را در اینجا برعهده گرفته است تا در مرحله نخست پند و موعظه و در مرحله بعد انزجار کند و در گام بعد زن را مانند هر معصیت کاری تنبیه بدنی کند و این دستور هرگز با عاطفه و تحقیر زن سازگار نیست بنابراین تنبیه بدنی نباید براساس غضب و عصبانیت و افراطی باشد و سبب کبودی و زخمی و شکستگی گردد. بلکه باید تنها به میزان و کیفیتی باشد که بر زن مؤثر باشد.

فضیلت زنان در روایت (اهمیت نیکو شوهرداری و اطاعت از همسر)

عن آبی جعفر فی قوله (قائنات) یقول مطیعات پیامبر اکرم حضرت محمد (مصطفی صل الله علیها وآله

وسلم) در پاسخ زنی که به نمایندگی از طرف زنان دیگر از فضیلت آنها در امر شوهرداری پرسید

حضرت فرمودند: نیکو شوهرداری و اطاعت از شوهر معادل جهاد، شهادت و رزق و روزی خوردن آنها نزد پروردگار است.^۱

بهترین مسئولیت زن در روایات

پیامبر اکرم حضرت محمد مصطفی (صل الله علیها وآله وسلم) خیر بودن گاهی مطلق است و زمانی نسبی، از بهترین شئون زن به بار آوردن انسان و تربیت او به نحو شایسته است که چنین مسئولیتی فقط برعهده زنان است.^۲

مقام بلند پایه (الگو شخصیت ملکوتی حضرت زهرا سلام الله علیها برای زنان)

یک انسان به تمام معنا تمام ابعادی که برای متصور است و برای انسان متصور است در حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) جلوه کرده بوده است یک زن روحانی یک زن ملکوتی یک انسان به تمام معنا تمام حقیقت بوده است.

او موجود ملکوتی است که در عالم بصورت انسان ظاهر شده است بلکه موجود الهی جبروت در صورتی یک زن ظاهر شده است تمام هویت هایی کمالی که در انسان متصور است در زن تصور دارد در حضرت زهرا وجود دارد زنی که تمام خاصه های انبیا در اوست زنی که اگر مرد بود به جای رسول الله می بود معنویات و جلوه های ملکوتی جلوه های الهی و جلوه های جبروتی و جلوه های ملکی همه در این زن مجتمع است.^۳

ولایت قضاوت و مدیریت زنان

به رغم شعارها و اظهاراتی که درباره حضور و نقش زنان در عرصه های گوناگون اجتماعی، سیاسی، مدیریتی مطرح می شود و این حضور را منحصر به موارد خاص مثل عرصه هایی چون تعلیم، تعلم، طبابت و یا تزاحم مهم مثل دفاع زنان از کیان اسلام و کشور در مقابل هجوم بیگانگان نمی کنند و بلکه اصل اول در ارتباط با تکلیف زنان می دانند و در صورتی که قرآن کریم و ائمه معصومین به وضوح این نگاه را مردود می شمارند و جامعه و مردان را از حضور بدون ضرورت و

^۱ تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۳۷.

^۲ الدر المنثور، ج ۲، ص ۵۱۴.

^۳ روح الله موسوی خمینی، جایگاه زن در اندیشه امام خمینی.

مصلحت برتر زنان در بیرون از خانه و جامع و سپردن زمام امور به دست آنها بر حذر می‌دارند و این نقش را با شاکله طبیعی و فطری زن معارض می‌دانند.

باتوجه به آیه «الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض» قوامیت مرد را بر زن اعم از قوامیت شوهر بر زن در خانواده و قوامیت مردان بر زنان در اجتماع استفاده می‌کنند.

علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید: منحصر به همسران نیست که فقط مرد بر همسرش تسلط داشته باشد. بلکه این حکم در مورد قوامیت صنف مردان بر صنف زنان در همه امور مربوط به زندگی این دو می‌باشد و طبق گفته آیت الله سید محمد حسین حسینی طهرانی که می‌فرماید: احتمال انحصار مقصود آیه به محیط خانواده و این که مردان تنها بر همسرانشان قیومیت دارند به دلیل اطلاق آیه وعدم قید آن به خانه وهمسران مردود است.^۱

فقهایی که قائل به عدم جواز قضاوت زنان می‌باشند، برای اثبات نظریه خویش به آیات، روایات، اجماع، اصل و برخی ادله دیگر استناد کرده‌اند. «الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض و بما انفقوا من اموالهم» ؛ «مردان بر زنان قیومیت و سرپرستی دارند، به خاطر اینکه خدا بعضی را بر بعضی برتری داده و به خاطر اینکه مردان از مال خود نفقه و مهریه زنان را می‌دهند»

وجه استدلال - طبق این آیه شریفه سرپرستی زنان به مردان واگذار شده است و مردان به لحاظ برتری‌هایی که در علم، عقل و تدبیر امور دارند و لازمه قیومیت و سلطه ایشان می‌باشد، بر زنان ولایت و سلطه دارند و از آن جا که قضاوت نوعی از ولایت و سلطه می‌باشد؛ اگر مقام قضاوت به زنان سپرده شود، زنان بر مردان ولایت و قیومیت سرپرستی خواهند داشت که این امر مخالف ظاهر آیه می‌باشد.

استدلال فقها بر عدم جواز قضاوت زنان با استناد به آیه فوق بر سه مبنا استوار است:

۱- واژه قوام در این آیه به معنی تصرف و سلطه و ولایت است.

۲- لازمه قضاوت زنان قیومیت آنان بر مردان است.

۳- دامنه شمول آیه گسترده بوده و تمام مردان و زنان را حتی اگر رابطه زوجیتی بین آنها برقرار نباشد، در بر می‌گیرد.^۲

^۱ محمد حسن باجلان، هم اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان اولویت ها و رویکرد ها، ص ۳۵۴.

^۲ <http://www.imam-khomeini.ir>

نتیجه

بینش و جهان بینی قرآن و اسلام زن و مرد از جهات بسیاری برابر و یکسان هستند در ماهیت و سرشت وجودی تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد و هر دو از گوهر انسانی مشترکی برخوردار هستند و انسانیت محور تقسیم زن و مرد است زن و مرد هر دو به طور مشترک از روح الهی برخوردارند و همچنین در هدف غایی آفرینش اشتراک دارند و در استعدادها و قابلیت‌ها هر دو جنس زن و مرد از استعدادهای مشترکی همچون کمال یابی و فضیلت خواهی قرب به خدا برخوردارند هدف خلقت زن و مرد هر دو عبودیت و بندگی خداست و از نظر کسب ارزشها و جایگاه هر دو در یک مرتبه‌اند و این برابری در کمالات و دستیابی به مقامات معنوی، انسانی، بندگی، تعبد الهی، کرامات وجودی انسان است.

در این پژوهش موضوعاتی بوده و به خاطر حجم مقاله دقیق پرداخته نشده محقق‌های بعد می‌توانند در پژوهش و مقاله‌هایی در راستای این موضوع به موضوعاتی هم چون شخصیت والای زن و حق و حقوق در خانواده، زنان در قرآن، زندگی دینی زنان مسلمان، جایگاه زنان در حدیث و سیره، بپردازند.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. باجلان، محمد حسن، هم اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان اولویت‌ها و رویکرد ها، ۱۳۸۰.

۲. تفسیر القمی، جلد ۱، صفحه ۱۳۷

۳. جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه ی جلال و جمال، ناشر مرکز نشر اسرا، چاپ سیزدهم، دیماه ۱۳۸۵.

۴. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، جلد ۱۸، ناشر اسرا، چاپ ۴، سال نشر ۱۳۹۲ ه ش .

۵. حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف، جلد ۶، سال چاپ ۱۳۶۹.
۶. الدر المنثور، جلد ۲، صفحه ۵۱۴
۷. طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، تاریخ انتشار ۱۳۹۳، جلد ۴، قم دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ۳۶. سال انتشار ۱۳۹۳.
۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ناشر دارالقب الاسلامیه، چاپ ۴۵، سال ۱۳۹۱.
۹. موسوی خمینی، روح الله، جایگاه زن در اندیشه امام خمینی، سال ۱۳۸۷ ه. ش.
۱۰. نوری همدانی، حسین، جایگاه بانوان در اسلام، انتشارات مهدی موعود، چاپ ۹، سال ۱۳۹۱.

سایت‌ها

۱۱. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21431>:
۱۲. <https://imanoor.com/blog>
۱۳. http://www.imam-khomeini.ir/fa/n142469/%D8%A8%D8%B1%D8%B1%D8%B3%D8%B8%D9%88%D9%84%D8%A7%DB%8C%D8%AA_%D8%B2%D9%86%D8%A7%D9%86